

میکنم از معتبر محترم کمیسیون توضیح بدهند که چه دارد این شرایط اتفاق شده.

ذکاء الملک مخبر — بنده این شرط را کمیسیون فرارداده بود لکن در حقیقت مجلس برداشت زیرا بیشنهاد شد که بیشتر زیاد است در این خصوص بیشنهاد های مختلفه شد از قبیل ربع و خمس وغیره مجلس رأی نداد و رجوع شد به کمیسیون در کمیسیون معمول شد که جو ملاحظه مذکور این مملکت کار مسلکی است و بعد از ملاحظه مذکور این مملکت مذکور شد که تجدید انتخاب ممکن نیست بشود زیاد معلوم شد که تجدید انتخاب ممکن نیست بشود و اگر هم بشود ممکن است در بعضی از نقاط ایران محتاج شوند با کثیر تسبیب چون میدانشیم که تجدید انتخابات ممکن است اسباب تأخیر شود یا بکثرت افزایش سوئی داشته باشد که بالآخر منجر بشود باشندکه ناینده دو سه رأی در این مجلس بیسازد این جهت تسبیب فراردادیم بدون قید بعضی اظهار نمودند که این شور سیم است مذاکرات کافی است تا میکریم - آقایان اغلب میگویند که این مذاکرات کافی است رأی میگیریم که مذاکره کافی است یا خیر آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایاب رئیس - تصویب شد - رأی میگیریم پیاده ۱۰ بطوریکه قرائت شد آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایاب رئیس - با کثیر تصویب شد ماده ۴۷ بیمارت ذیل قرائت شد

ماده ۴۷ - هرگاه بعضی از انجمن های نظارت نقاط جزء صورت مجلس انتخابات خود را درمندی که انجمن مرکزی برای آنها مین کرده باشند مزبور نرسانند اینهم مركزی انتخابات آن حوزه را خاتمه داده تسبیب را معین میکند ولی این امر مانع از حق شکایت رأی دهنده کان آن نقاط نفواده بود.

نایاب رئیس - مخالفی هست (گفتند یک دیگر خوانده شود) مجدداً ماده ۴۷ قرائت شد

نایاب رئیس - رأی میگیریم بماده ۴۷ بر تسبیب که قرائت شد آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایاب رئیس - با کثیر تصویب شد ماده آخر فصل ۷ ماده العاقبه (بیمارت ذیل قرائت گردید).

ماده العاقبه - آخر فصل ۷ ماده ۴۷ مادام که متنبی انتبار نامه نمایندگی نگرفته اند هر گاه یکی از ایشان فوت شود یا بقول نمایندگی نمایندگی متنبی انتبار نامه نمایندگی که نسبتاً حائز اکثریت است نمایندگی معین مشودولی یعنی از دویافت انتبار نامه باید مطابق ماده ۴۲ مین قانون عمل شود.

حاج آقا - ماده ۴۲ را بخواهید (بیمارت ذیل قرائت شد).

ماده ۴۲ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا دهد یا فوت شود اگر بیش از ۳ ماه با خود قبضه باشند اهل محل بجا ای انتخاب خواهند کرد ولی اگر اهل محل در ظرف ۳ ماه زمان اختصار نماینده خود را انتخاب نکرندند مجلس شورای ملی یکنفردا بوضع نماینده مستقیم یا متوفی انتخاب میکند

سلیمان میرزا - میرزا علی اکبر خان - آقا سید محمد باقر ادب .

بالجازه ، آقایان حاج آقا - دکتر لقمان - آقایان که وقت مقرر حاضر نشده اند، دکتر علی خان دو - احت بالجازه مذکور این سلطنه ۳۵ دقیقه بدون اجازه .

نایاب رئیس - آقای منتصر السلطان فرمایش داشتند در صورت مجلس -

منتصر السلطان - بنده مخالف نداشم و اینجا در صورت مجلس نوشته است که مخالف بودم بنده گفتم که آیا این لایحه بنظر خزانه دار گردد بنده است یا خیر و این مسئله را از وزارت مالی سوال کردم مخالف بودم .

نایاب رئیس - اصلاح میشود .

میرزا اوادخان - تقاضای بنده مخالف نداشت و بود که نظریات خزانه دار کل معلوم شود و در یشنوده تو شه نوشته است که مخالف بی انصاف بیشتر مسئله دیگر ما که کسان میکنم آقایان نمایندگان کاملاً با من موافق در این اظهار باشند و ممانعت نفرمایند و محتاج به رأی گرفتن هم نباشد و از هر چیزی مهم تر است از مقام منبع نیابت

نایاب رئیس - صحیح است بیشنهاد نوشته شده و تصریح میشود

حاج سید ابراهیم - بنده در آن اظهاری که آخر جلسه کردم مخصوصاً ام شخصی را برمد و هر چند که استظافات مذکور این سلطنه مخصوصاً بیاند در مجلس قریب باقی رأی داده بیشتر شوند اشخاصی که باعث تمام این انشاده است

نایاب رئیس - ذکر میشود

ادیب التجار - بنده یک چیزی را استدعا کردم که تأکید شود به هیئت وزراء و آن راجع بود باقدام وزراء در باب اوراق مضره و دیگر جواب سوالات که از وزراء نمایندگان داشتند که از طرف هیئت رئیسه تأکید شود و یکی نمایندگان که اقدام کرده اند در باب آن سوالات که یکی از آن ها راجع بعمل نان و گندم است و قانون منع احتکار که آن قانون یکی از سخت ترین مجازات است و حمل احتیاجش مجازات محتکرین است و سوالات دیگر که مفصل در دویسه های مجلس ضبط اسلام و فراموش شده است در صورت مجلس بتوسینه و یکی هم استدعا میکنم که در صورت مجلس گذشته آن دو ماده را نوشته بودند و مخصوصاً قیه فرموده بودند که حاضر شده اقدامات خودشان را در این مدت بفرمایند و مذاکرات دیگر آن که خواهش میکنم این دو ماده قانونی شده در باب حقوق مخالفین سلطنتی حالیه که بنا بودجه دستور شود چه دستور بگذارند .

نایاب رئیس - هر دو مطالیکه ادیب التجار

ایراد کردن واقع قابل اهمیت است و باید با جدیت تمام مطالبه شود و دوماده ایشان بکمیسیون مبتکرات رجوع شده است .

مجله، یکساعت ربع از شب گذشته ختم شد

انتقامیه باقی است هرچه استادهست یا بازدید کامل ملک کسبت و خانه ملت کسبت بجهت این که هر دو خانه ملک است مجلس و دولت بتوسط مجلس امین است این است که استدعا میکنم تمام استادهست آمده حتی استظافات مذکور این سلطنه خواسته شود زیرا بزرگترین امریکه برای حفظ شرف بروکلا لازماست و فرع بعضی اتهامات است که کرد میشود و خیلی لازم است (اغلب تصدیق کردند)

ادیب التجار - خوب است آقای نایاب ویس یاک نهاد کاری به آقایان نمایندگان بفرمایند که ملاحته نظم مجلس را از دست نهاده و مجلس ختم نشده تشریف بپرند بالحضرم این است که البته آقایان نمایندگان شون شبا در سر سفره نان دارند و پدرد دل فرقا میرسند و همچنان که مکرر بعده نایاب میگذرد و در باب قانون منع احتکار که مکرر بعده شورای و بکمیسیون برگشته تقاضا میکنم جزو دستور نمایندگان که برای آنیه جلو گیری کامل از محتکرین بی انصاف بشود مسئله دیگر ما که کسان میکنم آقایان نمایندگان کاملاً با من موافق در این اظهار باشند و ممانعت نفرمایند و محتاج به رأی گرفتن هم نباشد و از هر چیزی مهم تر است از مقام منبع نیابت

و ریاست تنا میکنم مقر فرمایندگان از جانب مجلس شورای ملی تجدید تأکید بهشت وزراء بشود استادهنو شعبات و تلکرا افاقتیکه در خصوص میبیست با مقریزین ویلیکی بدست آمد چنانکه در مجلس قریب باقی رأی داده شدیم مجلس بیاورند که خاطر نمایندگان بخوبی مسوق شود و شناخته شوند اشخاصی که باعث تمام این آشوبها شده اند هلت دیگر اصرار بنده این است که در روزنامه خوانده نوشته است در خصوص دعوت شاه مخلوع بر ایران - قریباً در این موضعات کافندی از حبیب ارشد الدهله با مضاری و کل مجلس در آمد است و همان روزنامه واین چنین از نگارش او را خدمت حضرت رئیس مجلس هم اراده داده ایک روزنامه رانخوانه بودم روی ترین باین اصرار نیکنتم بوزرای عظام تأکید فرمایندگان فوری تمام استاد را ب مجلس بفرستند دیگر سوالات زیادی در مطالب مهمه از وزراء فخامندو شود تأکیدی را باید میگرداند که حاضر شده اقدامات خودشان را در این مدت بفرمایند و مذاکرات دیگر آن که خواهش میکنم این دو ماده قانونی شده در باب حقوق مخالفین سلطنتی حالیه که بنا بودجه دستور شود چه دستور بگذارند .

نایاب رئیس - هر دو مطالیکه ادیب التجار ایراد کردن واقع قابل اهمیت است و باید با جدیت تمام مطالبه شود و دوماده ایشان بکمیسیون مبتکرات رجوع شده است .

مجله، یکساعت ربع از شب گذشته ختم شد

جله ۲۹ صورت مژروح روز یکشنبه ۲۸

شهر شوال ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب در تخت و باست آقای میرزا امر تقصی قلیخان نایاب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس روز شنبه ۲۷ را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند - غائبین جلسه قبل غائبین باید بدون اجازه؛ آقایان حاج و کل الرهایا

رسی است .

رئیس - مخالفی هست

حاج آقا - انتخاب نمایندگان باکنتری نسبی است صحیح است ولی یک شرعاً سبقاً کرده شده بود که اغلای یک ثلث یا بیش از تعریف گلرنده ها داده باشند و حالاً این شرط را انتخاب کردندند مجلس با اینکار کمیسیون هم سابق آمده بود بنده نماینده

(اصله) قانون اساسی مبادله قرائت شد.
 اصله - منتفیان از برای دوسران نام انتخاب
 میشوند و ابتدای این مدت از روزی است که منتخبین
 ولایات تمام ا در طهران حاضر خواهند شد پس از
 انقضای مدت دوسران باید نایابندگان مجدد انتخاب
 شوند و مردم مقنقارند هر یکی از منتخبین سابق را
 که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب
 نمایند.

حاج آقا — ابتداء این مدت از روزی است که تمام نمایندگان ولایات حاضر شده باشند (ابن برداشته شده است) و نوشته شده است که (ابتداء مجلس از روزی است که مجلس افتتاح میشود) و دیگر نصف بملوکه و کتابدار رهبران حاضر بشود و یقیه ماده قانون اساسی بجای خودش باقی است در صورتیکه خودش تصریح کرده است که باید منتخبین برای دوسرال انتخاب شوند دیگر نمیدانم چه اشکالاتی دارد و اما نظراتی هم که آفای مخبردادند و بیان کردند هر چند که صحیح است ولی بنده آن دفعه اول هم عرض کردم و باز تکرار میکنم که تعبیره ملت نسبت به تعبیره و وکلاه اعم است البته تعبیره ملت همانطور که مادر صدد تعبیره هستیم ملت هم در صدد تعبیره است و تعبیره ملت اعم است از تعبیره و کلام همان طوری که نوشته شده در قانون اساسی باید دوره تغییرشنه دوسرال باشد.

اقيقه خار الوعاظین - گویا در مشروطیت از برای هر کسی یا شهانمی و یا کرادعی در جلوش هست در مشروطه هیچکس را بلامانع و رادع نمیگذاشند فقط باداش است که میگویند میراست از مسئولیت ولی بعد کمالاً عده میگشین با غلبه مشروطه های دنیا میبینیم موافق قانون هیچ حقی باوداده نشده است و این گله که میگویند باداش میراست از مشوایت این دلک تعارف است که باومیگویند بجهت اینکه کسی که داخل نیست در کاری و مداخله در امری ندارد بدینه است که مشوایت ندارد ولی در ضمن آورده نه وزراء رامسئول فرار داده اند در مقابل حق مجلس مدهانه مجلس سناتور از داده اند برای اینکه مجلس سورای ملی هم بلامانع و رادع نباشد که مجلس سنا گران مجلس سورای ملی باشد و مجلس سورای ملی گران مجلس سنا باشد دیگر آنکه به باداش حق فضال مجلس را داده اند که اگر یک وقتی یک مدنده می محل اختلاف شد بین دولت و مجلس سورای ملی

بنده همچو خواهمن مثی بزم مثیله به البته مثل هایش آقایان میدانند و واضح است اگر باک مثیله واقع دین هیئت دولت و مجلس شورای ملی آن وقت ای اینکه بدانیم آراء عامه ملت مقابله بکدام یاراز دور ای است رأی اکثریت مجلس راهیت ملت تصویب کنند و یارای مجلس سنا و یارانه هیئت دولت را چیز بفهیم این است که در آن لظاظ نامها حق مصال را داده اند پیاده شاه در آن وقت مجلس

نقش میدهد واعلان انتخاب جدید میدهد واعلان
میکنند که وکلایانی که انتخاب میکنند باید در
ن از هم نظر کنند و بصیرت داشته باشند اگر
نه و کلا آمدند نشستند اکثریت مجلس باز با
تریت سابق موافق بود معلوم میشود که آرائش
اکثریت مجلس موافق بود باید اکثریت مجلس آن

هم بود آن این بود مکمل و پنهان اینجا هر هش کرد
که انتخابات یک اقلایاتی است در مملکت و بایان نظر
که انتخابات یک انقلاب کوچکی است سعی بکنید
این انقلاب کمتر واقع شود در مملکت مغلوب کنم
آن انقلاب واقع میشود هر وقت مدت نایندگی آن
زیاد باشد انقلاب حکمران خواهد شد باین جهت اکثر
مدت دو سال باشد و مصالح یکمتر به آن انقلاب میشوند
بعبارت اخیری دو سال یک مرتبه انقلاب انتخابی

داریم اگر سه سال باشد سه سال یک مرتبه انتخاب
انتخابی داریم یک نظر دیگر این است که در این
ملک مامیدانیم که انتخابات بسهولت واقع نمیشود
حتی الامکن پایه کاری پنکیم که صوبت کمتر واقع
شود و ایام فطرتی که هست برای ملت در نداشتن
و کمتر باشد یعنی وقتی که مجلس منقضی شد
چون دوره انتخایی در مملکت یعنی دوره انتخاب
کردن زیاد است قهرآ ممکن است چهار ماه پنج ماه
طون بکشد تا اینکه یک انتخابات جدیدی شود و
اعضاء یک مجلس شورا منتخب شود و این بمارت
آخری یک ایام فطرتی چنانچه عرض کردند در دوره
تفصیلی بیندازند و این فطرت هرچه کمتر باشد بهتر
است یعنی سه سال یک مرتبه واقع شود بهتر از این
است که دو سال دیگر به واقع شود هم چنین نظریات
دیگر که کمبیسون در این خصوص خبلی مناصره و
مدافعه شد بالاخره رأی اعضاء کمبیسون این شد که

دو سال تغیر داده شود به سال و اما این مسئله که اون عرض سکردم حکمت اینکه نماینده کان باید کاه کاهی نجید شوند که هفاید سیاسی ملت تغیر کرده باشد و باین جهت بخواهد نماینده خودش ر انتخیب بدهد آن یك راه دیگری دارد که در مدت سه سال هم ممکن است در دو سال هم لازم میشود اگر لازم باشد که نماینده کان ملت تغیر بکنند از یك چهاری از نظر سیاسی اگر بخواهند در دو سال هم لازم میآید باید بیك ترتیبی باشد که ملت بتواند این کار را بکند و آن ترتیبی است که یك راه مشروع مطابق راه مشروطیت صیحی است که همه جا آن ترتیب را معمول میدارند و باید همان طور ماهم داشته باشیم داریم اگر چه مجری نشه است ولی باید طوری هم بشود که مجری شود و آن مسئله انفصال مجلس است هر وقت رئیس دولت بنویسد که بواسطه یك اختلاف نظری که بین ملت و نماینده کان ممکن است باشد انفصال مینده مجلس را او حاضر بیکند ملت را و دعوت میکند برای تعجید انتخاب که به بیند نظر سیاسی ملت حالیا هش چه چیز است و آن مسئله باید بحال خودش باشد بخواهد دو سال باشد بخواهد سه سال باشد اگر آن مسئله را نداشت باشد یعنی مسئله انفصال مجلس را بطور صحیح قرار نهنددو ساله هم که باز شده است و اگر اورا هم قرار بدهد سه ساله هم که باشد ضروری ندارد.

حاج آقا — بنده اختهار قانون اساسی دارم
نائب رئیس — بفرمایید.
حاج آقا — بنده اصله قانون اساسی را
تفاضا میگشم که بخواهند ابدی از جهت انتخاب و ایام
انتخاب نسخه شده است و چیزی که فقط نسخه شده است
همان ابتدای دوره انتخاب است.

روی مرکز سود پاره شدند یا مول از بر بنا
باز مذاکره کنند از طرف آقایان بیشنهاد
آن وقت فهرآ پاید برود بکمیسین و باز پاک
دیگری در او بشود بعداز این که شور دوم شد
دای گرفته شود والا هیچ وقت ختم نعواده شد
ذکاء الملك مخبر - فرمایش
هر المالک صحیح است و در این موقع علی ال
بیشنهاد که دن هم صحیح نیست و رای هم نباید ک
شد منتفع که حمله نماید ک

قبول کرده است و اگر رأی نداد باید بهمان ترتیب سابق است
سابق رفتار کرد یعنی همان ترتیب سابق است
دو خصوص آنکه نوشته شده است سال آ
ارباب دلیلی که آوردندایین بود که مولکین ما منتظر
که مدت و کلایشان سر برود تجدید شود البتہ
برای این است که دوره تغییریه دولال است و
تجدد شود دولال که تمام شد باید نمایندگان کان خود
شوند و اگر از باب این است که تصور میکنندو
که نمایندگان تغییر کردند چه نتیجه خواهند
تغییر دادن نماینده یکشنبه است نظر دریکی را ند
و آن این است که ملت در باره آن نمایندگان خود
تغییر رأی داده باشد بنابراین فرار داده شده است
که اگر ملت در باره یک و کلی مقابلاً تغییریه
در هرض نمود متضادی و کلی نباشد و قرار گذاش
شده است که نمایندگان دائمی نباشند که اگر ملت
آن را نهاده باشد این

این مدت په ھفتمین سیاسی پیدا کرده و ھفتمین
با ھفتمین و کیلی که انتخاب کرده است مخالف د
بتواند و کیل انتخاب کند که هفتمین باعث قید
مطابقت کند این حکمت تجدید نمایندگان ا
دیگر پلایلی ندارد که نمایندگان تجدید شود و ا
قرار میگذاشتند نمایندگان مادام جلوه نمای
باشند هیچ دلیلی نداشت که بگوئیم نمایندگان تجدید
شوند حالا این اصل را آنها باید قبول کرد و معتبر
ستیم که گاهی کاهی باید نمایندگان تغیر کنند تا مدل
بتواند عقیده خودش را اظهار نماید با کمال آزادی
اما در کسیوون نظر اعضاء برای بود که با این ترتیب
مسئلکت دوسر از برای نمایندگی کم است
جزرا دوسر از برای نمایندگی کم است بجهت این
که نمایندگی ملک کاری است مثلاً سام مشاغل د

واعق همان طوری که شخصی در یک کاری و یا شغلی که یک مدت متداهن باشد و کار نکند علمًا و عملًا بصیرت شد در اینکار زیادتر شود هلی الخصوص در این سلک ما که از جست مشروطیت و بوجوب تحصیل و تعلیم در مدرسه و بوجوب عملیات میانسی خلبانی تازه کار و جوان و بی تجربه هستم پس دو واقعه کار کرد.

د مجلس شورای ملی از برای هر کدام ازما هایک نوع اعمال ورزشی است و در حقیقت مدت دو سال همان اندازه ای است که کفایت می کند که نماینده کان پسیت حاصل کنند بوظایف خود شان و بوظایف نمایندگ کدارند و بوظایفی که در اعمال منلک و سیاسی و قواعد نظریات سیاسی دارند بدان آنکه بجهانی رسیدند که بگویند حالا خوب می توانید اعمال نظر سیاسی بگشتند و خوب اجرای کار بگشتند و خوب از عهده بر آینند آن وقت بایست تجدید شود و یک دسته دیگر پیایند باهن نظر بود که گفتم سه سال باشد وعلاوه بر این نظریات دیگر

را محکمن است بکنند و در انتخابات این اشکالات
می‌ستد در صورتی که هنوز انتخابات تمام نشده‌اند و
باقی است حق بهیم باقیمن ناظرات کهرگاه کسی
فوت یا است مقاومت کرده بجدول اسمای آنهاشی که در
بارگشان رأی داده شده‌است نگاه بکنند هر کسی بعد
از آن و کل مستغی یا متوفی دارای اکثریت است
اورا معین کنند اما اگر بنا باشد این حق را تائید

بسط پیهیم و میکوئیم اگر مجلس شورای ملی تا ۶۰ ماه
منعقد نشسته طول کشید در طرف این ۶۰ ماه یک نماینده
استتفا داد و فوت کرد برایم با نصوص انتخابات نکاه
بکنیم و قالی اورا پیکریم این اولا یک نتیجه خوبی
بدی دارد که شاید کار بپلهای خوبی مشکل رسدو
در آن صورت ممکن است اشخاصی که ارادی دور ای
س رأی چهار و آی هستند انتخاب شوند و دیگر اینکه
حقیقت این شخص نماینده بوده است و از طرف ملت
منتخب شده است و حالا که استفایا یافت شد که این
با نیت خودشان معین کنند که کی بچای این خواهد
بود همانطور که درباره و کلا در مجلس مذاکره
میشود که مجلس حق ندارد باید دوباره ملت و کلیل
خودشان را انتخاب کنند و مگر خود آفایان حتی
بر ضد بنده این استدلایل ادا کردن که کسی را که
ملت انتخاب کرده باید دیگری بچای او را انتخاب
کنند بهمین دلیل هرچهار مردمت باید انتخاب کند.

نایپر فیض - کویا مذکورات کافی است
 پیش مرتبه دیگر ماده العاقبی آخر فصل ۷ که ماده
 ۴۳ - است خوانده می شود و رأی گرفته می شود مجدداً
 فراثت شد .
 میرزا داود حنفیان - اینکه رأی گرفته می شود
 در باره العاقبی است نیشود زاین رأی گرفته بهجهت
 اینکه این ماده العاقبی راجع می شود با آن ماده ۵۲
 بهقیده پنهان و باید رأی در ماده ۵۲ گرفت (بعضی
 از نتاپندگان هم تصدیق کردند)
 ذکاء الملک مخبر - این یک نظر صیغی است
 شاید بخواهد در این ماده یک نظر جدیدی پیکند -
 پس اول بماده ۵۰ رأی بگیرید .
 نایپر فیض - ماده ۵۰ خوانده می شود و رأی
 بگیرید - بیمارت ذیل فراثت شد .

ماده ۵۰ - مدت دوره تغییریه سه مال شمسی است
وایتدای آن از روزی است که مجلس شورای ملی
افتتاح میشود .
نایب رئیس - آفای ارباب فرمایشی
دارید پفرمائید .
ارباب گچسر و - بنده در باب سه مال شمسی

بودنش مخالفم و تصور میکنم که هی العجاله مقتضی نبست که بیش از دو سال باشد برای اینکه مردم منتظر ندید یعنی موکاین ما انتظار دارند که وقت ما منقضی شود و کلای دیگر انتخاب کنند شاید و کلای بهتر خواسته باشد انتخاب کنند اگر بیش از این مدت مایل باشد مثلاً سال دهمال بخواهد و کلای اینجا بشتبند این را واگذار میکنیم بازیه علی العجاله بنه کاملاً با این مادمخالفم و یا که بشیوه ای هم در این خصوص کردمام .

و هنوز میتوان گفت امر انتخابات تمام نشاماست اگر برای اینکار پیغامیم تجدید انتخاب کنیم خلی مشکل خواهد بود و اسباب ذمت خواهد بود برای مردم چندان ضرورتی هم ندارد از آن اعتماد کنیم هستند نه کنند بیینند: بر کدام اکثریت پیشنهاد دارند سبتاً آرزو معلوم کنند و لی اگر اعتبار نامه یک کسی داده باشند در واقع میتوان گفت که انتخابات خفته شده و تمام شده نباشند کسان ملت ماء، تما

ملکت یا برای آن موزه معین شده است و این شفیر نماینده یا ملت شده حالا این نماینده راست است که بعد در مجلس هم ممکن است نماینده‌گی اوردو شود این بجای خودش باشد ولی فعلاً یکی از نماینده‌گان ملت محسوب می‌شود و دارای اعتبارنامه است و با آن همان معامله را می‌کنند که بایک نماینده می‌کنند مگر اینکه مجلس حکم کند که این شخص نماینده نیست چون اعتبار نامه اش صحیح نبوده ولی قبل از آن که مجلس این حکم را بگیرد هیچکس نبتواند باو بگویید که نماینده نیست و اهترافی باو بگیرند حق اهتراف هم ندارند حق معتبر هم ندارند مگر شورای ملی و این یعنی حقوق فوق العاده است که به مجلس شورای ملی داده شده است پس از آن روز یکه این شخص اعتبار نامه گرفت از همان روز او نماینده ملت حساب می‌شود و قبل از آن نماینده محسوب نفوذ نداشت و پس از آن روز یکه

نماینده مسحوب میشود آن را در تعت آن حکمی قرار
مینهیم که برای اعضاء مجلس قرار داده ایم جهار برای
آنکه حق این است که یک کسی را کمتر انتخاب
کرده است و قدرت که بناشد او خودش استتفاق پیده باز
میان رفت به حال از هب ندایندگی معروف شدات
باز بجای او معین میکند بهمان دلیل که خود آقایان
پیان کردند که یک کسی را که ملت انتخاب کرده
است اگر استتفاق یا فوت کرد ملت بعیا او باید
انتخاب کند و صحیح نیست که فقط انتخاب نسبی
بعدزا ملاحظه کیم بجهات اینکه اشخاصی که درباره
این شخص رأی داده اند اگر میباشند کاین شخص
نماینده آنها نخواهد بود شاید درباره یک کس دیگری
رأی میدانند و نوبت هیچ نمیرسید با آن اشخاصی که
نانی او هستند اگرچه این اراده تایب اندازه در حق
آنها هم که قبل از اهتمامه گرفتن استتفاق یا
فوت کرده باشد وارد است ولی اقلاب پاین شدت نیست
و میتوانم که انتخابات هنوز تمام و ختم نشده است
و هنوز این شخص نماینده نشده باشد و میتوانیم بگوییم
هنوز اجنب نظارات منعقد است یا کمتد زیادی طول
نکند

نکته است و بر دیده را برای ملت است نداده
است و خلیل فاصله در میان نیست تا اینکه بکوئیم
یک حال دیگری بیدا شده است و آزان طرف اگر بردا
پاشد باین اندازه کار انتخابات را سخت کنیم واقعه
کار سخت میشود و تعیین نایابندگان خلیل دشوار
خواهد بود حال اشاید در جای دیگر به مقتنعی دیگری
این حق را بگیرند از انجمن نظارت که میگیرند
بجای آن شخص ملت یک شخص دیگری را انتخاب
کنند شاید این هم یک رقیق مقتنعی شود اما علاوه نتیجه این
این کار را بگیرند؛ بهجت اینکه خلیل اسپاس صبرت
میشود برای مردم و اسپاس تعریف افتتاح مجلس شورای
ملی میشود و نمیشود که هر خلل هژئی که وارد آمد

نایاب رئیس - این راجع بمناده قبل از
حاج شیخ اسدالله - راجع بهمان
ماده این است که اگر قبل از دادن افتخارات نامه
کرده باستفاده داد رجوع میکند با آن کسبه
اکثریت دارد و اگر فوت کرده یا استفاده داده
میکند با آن ترتیبی که در ماده ۲ نوشته شده
عمل نماید اینرا بنده بیعاقده میدانم برای این
در این ماده میتواند کسی ماده قبل که بدورو آخر خواهد
مانده است مجلس انتخاب میکند در صورت فو
بعد از آنیکه در مجلس افتخارات نامه یا نایابه نهاده
نشده و مجلس شورای اسلامی تصدیق نکرده اعنای
اور اگر آیا صحیح است یا باطل است آشناخ
مجلس شورای اسلامی نایابه نمیداند و بعد از آن
نایابه کی او در مجلس شورای اسلامی قبول نشود
صورت پایه از طرف ملت مجدد انتخاب شود

کسی اگه حاضر ا تریت است مجبول نمایند و
نماینده‌گی او در مجلس رسیدت بیدا کرد یعنی
تصدیق کرد نماینده‌گی اورا بعد از آن فوت با
کرد در مقام استعفا وبا متوفی آن ماده ۵۲ در
مصول داشت یا همان میکنند که هوش او را از
نماینده پایانشک سه‌ماه با خر دوره تعینیه ماندمد
آن‌ناده که می‌آید خود مجلس شورای ملی انتخاب
بنده مقیده‌ام این است که نوشته شود مادامی
نماینده‌گی او در مجلس شورای ملی تصویب
است اگر هر آینه استعفا یا فوت کرد رجوع
پایانسکیه بعداز اداری اکثریت است و اگر
آن که در مجلس اعتبار نامه اوصیح بود و بدنه
شد نماینده‌گی او آن وقت رجوع بکند بعده
مطابق این تعیین که این نوشته شده بنده نمی‌
تصویب می‌کنم یاری بدهم بمجرد اعتبار نامه
یکنفر و نماینده‌گی اورا تصدیق کنم و حق بدهم
سماه با خر دوره تعینیه ماندمد هوش اورا مجلس شورا
انتخاب بکند.

یک آنکه وقتیکه استعفا مینده باfort میکند
اعتبارنامه از انجمن نظارت نگرفته یا آن ام
اعتبارنامه را کرته و نایاندگی او هم تایا شد
مسلم است شده است ولی مجلس شورای ملی
افتتاح نشده است دراین موقع قوت یا استعفا می
یک وقت این که مجلس افتتاح شده است آنچنانچه
مجلس آمده است بد استعفا باfort میکند د
صورت دراینجا ما دو صورت را دریک حکم
دادیم یعنی مادام که انجمن نظارت انتخابات
است و برقرار است و اعتبارنامه نداده است بد
منتسب کنیم در آن وقت اگر کسی از منتخبین فر

است و این به چو^جه اختلافی نه باقایان اساسی دارد
نه با آن مدنی که ممین شده است شاید بعضی از
آقایان که اینجا قانون اساسی را نشان میدهند جو ع
بکشند با اصل ۵۰ قانون اساسی ولی این اصل ۰
هیچ مربوط بآن جهار اصل نیست بله بندۀ هم اصل
۵۰ را دیده‌ام ولی چیزی که هست مقصود از اصل
۵۰ فقط تبین دوره مجلس است و اگر آن مدت
را هم حذف و صرف نظر از آن مدت بکنیم کادر
هر دوره انتخابیه یک نوبت امر پیش‌گویی معمولی
نخواهد شد به چو^جه معنی آن اصل تغیر ندانیم که
وجاجی خودش باقی خواهد بود پس بندۀ با دو
سال مخالفم.

آقای شیخ محمد خبیانی - تمام این دلایل که راجح بود سال و سه ماه گفته مشود اینجا در نظر نبده چون راجح بقانون اساسی اشکالی دارم هیچ اهمیت نمیدهم و داخل فلسفة آن نهی شوم برای آنکه بعد از آنی که باین مسئله فائل شدیم و بعد دیدیم بدو سال یا سه مانع موقید نیست آن ماده اش برداشته شده است نسخ شده یا نشده آنوقت در واقع شایند بتوازن در مدت صحت بکنیم اما آقایانی که فائل باین بودند که اصل ه قانون اساسی کایه برداشته شده است و پیمانه یک قانون عادی شده این را هر ض کنم اولاً کنیکه یک چیزی را اعتقاد کرد به باید حاضر باشد که اگر یک کسی برخلاف او چیزی باشد و برایم بگویید از آن اعتقاد اولی خود را فرستاد که

ووسائل پاشاش یا سه ماه یا دو ماه یا یکسال
یادو ماه ابداً غرق نمیکند ولی همیشه در تمام عالم
هیچ نمیتواند بگویند که نسباید یا که راه اتفاقالی
برای مجلس قائل شد ولی این هیچ مریبوط بعده
نیست در ملکت ما طریق اتفاقال و اینها نسبت
داده اند و سنا و اهم قائل شده اند ولی مجلس سنا
وجود ندارد حالاً این راه خوبی یا بدی است بمنه
نمیغواهم داخل این مطلب بشویم بهم اینکه این
موضوع بحث ما نخواهد شد اگر هم آتفاقاً به واسطه
سامانه هنوز مجلس سنا تشکیل نشده است شاید
این سامانه را یکی از خوشبختیهای این مملکت
فرض کرد از جهت اشکالاتی که در این مملکت
است ولی با وجود این تفصیل فرض میکنم که اگر
مجلس شورای ملی بعده این یک اکثریت داشته
باشد که معتقد بستاً باشد معتبر است علی ایصال
یک راه دیگر برای اتفاقال اعتماد داشته باشد
حالاً اگر سنا نباشد لابد یک راه دیگری خواهد
بود پس مسئله اتفاقال هیچ مریبوط به تمدید مدت
نیتواند باشد ولی بمنه هرچه میکنم یا که مجلسی
که شش ماه مدت داشته باشد یاراه اتفاقال نداشته
باشد آن مجلس بد است آن مجلس عیب دارد اما
یک مجلسی که سه ماه مدت دارد و راه اتفاقال او
معین باشد این مجلس صحیح است هیچ نیشود گفت
نه راه اتفاقال بعده مریبوط است حالاً یا
۲۰ روز یا ۲۵ روز دیگر مدت مجلس منقضی
میشود و یقیناً در دوره آتیه با وجود آن اختیار یکه
داده شده است که تجدید نظر در قانون اساسی بگشته
معقلاً راه اتفاقال مجلس معین خواهد شد و ازدواج
خارج نیست یا مجلس یک اکثریتی خواهد داشت که
طرقدار ابتدای سنا باشد که موافق قانون همان اکثریت
حکم یا بقای سنا خواهد شد و جای شک نیست که اگر
یک اکثریتی باشد که مخالف سنا باشد باز آن
اکثریت یک راه دیگری برای اتفاقال مجلس معین
خواهد کرد پس از این مسئله باید ترسید که اتفاقال
نیتواند یک راهی داشته باشد در مدت سه ماه از
این مد نظرهم هیچ یا هم ندارد پس بعید است بمنه اگر از همین
مخالفتی هم باهم ندارد پس بعید است اگر از همین
جا شروع بیندازه میشند و فقط در مدت دو سال و
سال‌ها گفتوگو میشند این مسئله خیلی آسانتر و ساده‌تر
میشود و هیچ مریبوط بقانون اساسی و اتفاقال هم نیست
لی بمنه شخصاً هم قبده دارد که سه سال زیاد است
ما این مریبوط باین نیست که باید داخل مذاکره
نویم که مخالف با قوانین اساسی است و این دلایلی
که اقامه کردن در اینجا بمنه را اینها نیتوانند
آنچه بگشته چرا اولاً میگویند تجربه به ملتقدم است
تجربه نمایندگان باید ببلت مهنت داد که زودتر
نمایندگان خودش را انتخاب کند این حرفاً همانی که
خط محض حرف است و منویت ندارد یعنی آن
غافلی که برای ما باید حاصل شود ندارد از روی
ساف اگرچه کنیم بجهاتی دیگر خواهید داشت
هرچه تریت سیاسی یا شغلی زیاد میشود از مدت
بینندگی نمایندگانش کاسته میشود و رو بپاسنگی
و دیگر بجهاتی اینکه آنوقت هیچ فلسنه و جهتی
ی نمایندگان برای زیاد کردن مدت نمایندگان که بهم
که تریت ملت بجهاتی رسیده است که اعم از اینکه

نموده اند شد که باشکه این قانون خارج شده از آن نسبتی که قانون اساس دارد و قانون شده است و البته تغیر و جر و تمدیل هرگاهی از وظیفه مجلس است شاید در آن کمیتی بیست نفری هم که مدت را دو سال قرار داده نقصها تصور کنند که آن کمیسیون مدت را باشد تغیر نداده است که این در قانون اساسی معنی است: «این اشتباہ است اولاً همان طور که هرچه اگر رجوع کنیم بمقنه که میگوید باید ماد معلوم است چه چیز است اگر این مطلب که تغییر نداده باشد مقصود کسانی بوده که در کمیتی بیست نفری بودند یا اینکه اشتباہ خیلی هالم به بودند که الان هم هستند امروزه مایه افتخار هستند اگر بگویند که مقصود آنها تغییر یا که از آن ماده بوده است و قصدشان تغییر باقی است البته در این صورت یقین بدانید که آنها تغییر میکردند که فلان قسمت از این ماده میکنند و مجبور نبودند بگویند فلان ماده تغییر کنند و چنانچه گفته شد همان کمیسیون میگوید باید مدت هم مذاگره شد منتهی پواسطه عدم صلاحت و پواسطه این نظریه که دارند این مدت را تغییر نداده است و بر همان مدت باقی هستند پس در صورت فقط میتوان گفت یاک تصادف اتفاقی و مو نظری است که مابین آن کمیسیون و این قوانون اساسی بینداشده است و هیچ نهیه ای این بوده است که میگویند متنبین برای مدت دو سال انتخاب میشوند و یکی که در چه موقوف میشود اهلان انتخاب کرد یکی هم از انتخاب مجلس درجه وقت خواهد بود اولاً مطابق همین مطلبی که هر کدام از هر کس پرسند اصل یعنی چه خواهند گفت اصل از القای ماده است تا دال آخرش و در در دنیا وقتی که یا که اصل تغییر کرده یعنی از الف اصل تا دال آخرش تغییر کرده و این از جب قانون اساسی خارج شده و مثل یک قانون هادی شده است یاک اصل دیگر هم تغییر کرده است اصل ششم است و یاک قسمت از اصل چهارم است و یکی دیگر اصل ۴۹ قانون اساسی است این چهار اصل مطابق مقدمه قانون انتخابات تغییر کرده است و اکرما رجوع میگردید پس قسمت از این مقدمه که میگوید در قوانین اساسی مقرر است که هر یک از نظامانها را مجلس شورای ملی اختار است جرج و تمدیل بکند و ما رجوع میکنیم بعده نظامانه انتخابات ماده ۵ نظامانه انتخابات یعنی همان نظامانه انتخابات کمیسیون شورای ملی مختار است بهر طوریکه صلاح بداند تغییر بدهد در او هیبت است که بر حسب اجازه آن مقدمه قابل تغییر است این است که ماده مزبور میگوید (ابتدای دوره انتخایی دو ساله از روزی است که مجلس شورای ملی انتخاب میشود) پس باز هم اگر بخواهیم تصرف یکنیم میتوانیم در ماده ۵ هم تصرف بکنیم و یکی از لوازم ماده ۵ که تغییر میکند اینست که ما میتوانیم در آن مدت هم کم و زیاد بگنیم بنده تصور میگردد که این مسئله بقدری واضح است که هیچ محتاج بوضیحات است یعنی طبقی که منظور شده است از کلمه ممالک (مال) یعنی از راه (ویرانم) از رام جریح شده است پس در ایشورت میتوانو همان کسانی که تغییر کردنند قانون اساسی را اجازه دادند با وجود اینکه معلوم بود که قانون اساسی تغییر و قانون عادی شد این معلوم بود و مجلس حق دارد که هر نوع تعزیز و تقویت بخواهد بسند با وجود اینکه تغییر و تبدیل در یک قانون عادی بخواهد بسند این را خواسته باشیم یا بدی دید که پس از افتتاح مجلس شورای ملی نوع جرج و تمدیل مجلس شورای ملی بخواهد میکنند هر یک از مادآشاده انتخابات میشود با این وضع عرض میکنیم چون حق انتقال یا مادآشاده شده است که دو سال همزیزی داشت چون در قانون اساسی صرخ است بندیم کیویم که همان دو سال باشد و الاقایید ام این است که میکنیم بیشتر انتخابات میشود با این وضع عرض میکنیم چون حق انتقال یا مادآشاده شده است که دو سال همزیزی داشت چون در قانون اساسی صنایع است که دو سال همزیزی داشت چون در قانون اساسی صنایع است که دو سال همزیزی داشت یا بدی دید که در اینکه ملت یک میحيطی داشته باشد یا میکنیم که در مجلس میخواهد بگذرد و اکنیت مجلس موافق است ولی افکار عامه ملت اینکه تغییر و تقویت بخواهد بسند مایل بشاید کان دیگر بخود بینه این رازی ایده میدانم وایده همان دو سال باشد و همان دو سال را تصویب میکنیم و سه سال از برای مازیاد استه همینظریکه فرمودند نماینده کانی که بعد از این میانند اکریات داشته باشند سه میل باشند چهار سال باشند پنج سال باشند شش سال هفت سال در اینجا نماینده باشند و ملت هم مساعدت داشته باشد آنوقت این ماده را تغییر میدهندولی امروز برای مراج این مملکت بمنه میشود اینداده از صحیح نیدانم وابدا تصویب نیکنم.

هزاره الملاک - اینجا دو سه مطلب عنوان شد و خوبه هردو سه تای آنها هیچ مریبوط باین مطلب نیست یک قسمت اولی که آقای حاج آقا فرمودند برای اینکه زودتر اظهار حقیقت بفرمایند مستسک بقانون اساس شدن و باس اخطار قانونی اظهار نمودند هیچ مریبوط بقانون اساسی نیست برای اینکه میدانم اینقانون اساسی است یا قانون هادی است بهترین راهی که برای ماتعین شده مقدمه قانون انتخابات است اکراچاره بدهید میخواهم در مقدمه نوشته چون بر حسب اقتضاءات وقت باره از مواد نظامانه انتخابات اعضاء مجلس شورای ملی لازم التغییر دیده شد بمحبی امرقد قدرت اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاهی خلداشتملک و سلطانه جمعی از خبر خواهان ملت باغان اعضا شورای مملکتی کمیسیونی مرکب از بیست نفر با کنیت آراء شکلی دادند که نظامانه جدیدی ترتیب دهند چون در قانون اساسی چهار ماده را اصول با مر انتخابات اشاره شده بود و تغییر آن مواد با اصول مزبور مخالفت نمود محضر رفع این مخطور کمیسیون مزبور موادمه نظامانه را که تطبیق کردند بدارای خیراندیشان ممالک همایران عرضه داشت از کرمه هم مملکتکار این بای حق نظر خودشان را بر کز آذر با یاری توپیش نمودند همچنانی آن مر کر عده تغییر مواد را تصویب و ملاحظات نزد را در مواد مهی دیگر پیشنهاد کردند علیهذا با رهایت ملاحظات من کز آذربایجان این نظامانه تغیر و تنظیم شد در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی بید از آنکه بیمار کی انتخاب یافت بوج انتخابیک در قوانین ایامیسی برای او مقررات در استقرارها جرج و تمدیل هر یک از مواد نظامانه آنچه صلاح داند منظور فرمایند پس اگر ماد جرج بگنیم بمقنه خواهیم

هستند که مطلعًاً اقدامی بر ضد دولت کردند اند یا مقصري نی که بعداز فتح تهران در زمان مشروطیت ثانی اقدام و قیامی بر ضد اساس آزادی کردند اند هستند که اقدامیک از اینها مراد است اگر مراد قسم دویم است خوبست مقدم شود که کسی جه وقت در زمان مشروطیت اقدامی بر ضد دولت حکرده اند بر سریل اجمال عقیده نهادن که صحیح باشد اگر توهمی دارند بفرمایند.

ذکاء الملك — تصویر میکنم مجلس که این رأی را داده است نظرش این بوده است حکمه اشخاصیک بعد از غفو عمومی بر ضد حکومت ملی ثبات و اقدام کردند اند در این دوره حالیه و بعد اها آنها معروف باشند از حق انتخاب.

ذکر حاج رضا خان — بنده مخالفت های خود را در تمام مواد اظهار کردم دیگر البته باید خودم را خلی نگاهدارم که مکرر نشود و باختصار کوشیده باشم قدم مخالفت خودم را منحصر میکنم به مسئله که در این قانون انتخابات برخلاف عقیده من گذشته است و مجبوروم اشاره باشیم که آن مسئله انتخابات جمعی و فردی است دیگر مکرر نمیکنم چون خلی لایلی هررض کردم و چیزی که مرآخیلی بیشتر بعات تعجب و اداشته است تبیین نکردن محل انجمن نظار کل است که فقط باختیار وزارت داخله یا به تبیین حکومت واگذار شده است و ممکنست در بعضی جاهای اکر بگوییم اعهال غرض نمیشود شاید مسامحة شود باینجه است که در انتخابات جمهی عقیده بنده یک عدد از نماینده که محروم خواهند بود باین ترتیب از رأی هم معروف خواهند بود خواهش میکنم از مغیر محترم که اگر ممکن بشود افلام برای آنجهای که ذکر شده و تابع یک شهری یا نصبه شده است که خودش حق رأی دارد دیگر محلی برای انجمن جزو آنها معین شود که لاقای اکر مردم معروف شوند از وکیل و نماینده که عقیده من محروم خواهند بود از رأی دادن و انتخاب کردن معروف شوند و یکی دیگر هم رایع به نسبتی است که گرفته شده است بجهة اینکه دیدیم که انجمن نظار آذربایجان بلاحظه آن نسبتی که گرفته بودیم و نسبت بلاحظه آن ترتیبی است که با سابق انتخاذ کرده بودیم که از پیصد و نیز نظر عده و کلا تجاوز نکند باین لحظه نوزده نفر با تنخدا داده شد و سایر جاهای رفت روی آن مأخذی که یکمده و می شن نظر شد و بعضی جاهای دیگر که حالا ایام نمیرم چون داخل جزایر نمیشونیم باین ملاحظه مخالفت خودم را باین اختصار ختم میکنم که تا آن اندازه که ممکن است باید انجمن های جزو معین شود و من خلی متشکر هستم از آذربایجان که نظرشان اولاً فقط برای گذشتن این قانون بود و اشخاصی که این ترتیب را ترجیح ندادند شاید بنی شلیل را بیاورند برای ما و من خودم از خودم ذ قول آنها عرض میکنم که شاید برای این بوده است که و سریل بهتر انتخاب بشود و اگر عدم محروم شده باشند فقط بهمین نظر بوده است ولی آن یکی از حقیقتنا خلی مخالفت میکنم برای اینکه اسمی آذربایجان چزو برده نشده است و این دیگر محرومیت که

لاییب رئیس - تصویب شده ماده ۲۰ فرمان می‌شود
(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۰ - هر کاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استقامت دهد یا نوت شود اگر پیش از سه ماه با آخر دوره تقدیمه باقی باشد اهل محل به جای او انتخاب خواهد گرد و لی اگر اهل محل در ظرف سه ماه از زمان اختصار نماینده خود را انتخاب نکرند مجلس شورای ملی بثغیر اوضاع نماینده مستعفی با متوفی انتخاب می‌کند.

حاج شیخ اسدالله - بنده هررض می‌کنم که این اصل ۵۲ قانون اساسی که الان مطرح مذاکره است استدعا می‌کنم التفات بفرمائید بخواهم به بینند چه میگوید میتویسد - در يك دوره تقدیمه که عبارت از دو سال باشد بیشتر از یک یکمین انتخابات بعمل نماید دیگر این را نمیگویید که تمام و کلام را در دوره انتخابیه تعجیل انتخاب کنند یک نظر یا هر صد و بیست بنده در آن شور اول هم عرض کرد که بعد از آنی که ۶ ماه یا سه ماه که در اینجا نوشته شده بدوره تقدیمه مانده باشد اعلان انتخاب می‌دهند و حال اینکه قانون اساسی این را اجازه نمیدهد و میگوید که نمیتوانند دو باره انتخاب بکنند.

ذکاء الملک - اشتباه کردن این در باب استدعا یا نوت است در آن ماده رأی گرفته شده است .

لاییب رئیس - عرض می‌شود که این شور سیم است تمام مذاکرات سابق را اگر بخواهیم تعجیل بکنیم نمیشود رأی مبکریم هر یک از آفیان این ماده را تصویب می‌کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) .

لاییب رئیس - تصویب شد حالا ماده ۴۳ که مانده بود برای اینکه شور در باره ۵۲ آنوقت در آن رأی بگیریم خوانده می‌شود و رأی میگیریم (مجدداً ماده مزبوره قرأت شد) .

لاییب رئیس - مذاکرات در این باب کافی است رأی میگیریم با این ماده هر یک از آفیان تصویب می‌کنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

لاییب رئیس - تصویب شد . ده دقیقه تنفس است (بعد از تنفس جلسه مجددآ شکل گشته شد) .

لاییب رئیس - مذاکرات در کلیات قانون انتخابات است مستلزم در این باب آن دو ماده که در نظام نامه داخلی که در باب شور در کلیات است آفیان در نظر داشته باشند که بهمان قسم مذاکر مشود و داخل در جزئیات نشوند .

محمددهاشم میرزا - بنده مبغایست عرض بکنم که یک مسئله را که مجلس میخواهد رد بکند بعضی اوقات مقدماتش درست است و بعضی اوقات نیست این راجع بنظم نامه داخلی است اگر اجازه می‌دهید عرض مکنم والا هر چیز نمیکنم .

لاییب رئیس - در اینباب مذاکره شده چون رای جمیع است به نظام نامه داخلی بیشنهادی شده است در اینباب بنتظیر نماینده کان میرسد و راجع می‌شود بنظام نامه داخلی و مربوط به نظام انتخابات نیست .

حاج سید ابراهیم - اگرچه شور در کلیات است و گویا در کلیات مخالفی باشد و بر حسب آن اختصار یکه مجلس کرده است بنده یک سوالی داشتم که یک نفره در آن ماده، که بادمشود بکوآن مقصوبین سراسر مع و منداده حق انتخابات آما آن مقصوب شنی

روز اینقاد غرار داشتند حالا باید بگوییم مدترن
بی کار خودش این از روی کدام عرف است ای
عرف است برویم بیرسیم به بیشتر هر این راهنمایی
میکند اصل ۰ که هیات است از یک سطر با
است در دوره انتخابی اصل ۰ را بخوانم به بیان
اصل ۰ دهر دوره انتخابی که صارت از دو سه
است یکنوبت بیشتر امر بتجدد منصبین نخواهد
من که بیکنی از ملت و اشخاص هر هستم هر
میکنم هیچ نیشود گفت چون ابتداء دوره را کما
در آن نظر کرده بود چون او از زمان رفت بایان
برادرش هم از بین برود و اینهم که هیچ ربطی
ندارد باید از زمان برود خیره هیچ جزی نیست
این خودش یک اصلی است که شاید نظر مقتن درای
بوده است که اینقدر اصرار بکند که یک هموزو زن
نگویند که از زمان برداشته شده و دلیل براین دارم
آن اشخاصی که در آن مجلس شده بودند و این قانون
اساسی رامی نوشته بکی از آن اشخاصی که در ترس
در ضمن مذاکرات میگفت که از چله چیز هایی
خیلی تأکید در او شد و خیلی در قانون اساسی
اعبیت داشت همین مسئله دو سال بود و ماکه این
نوشتم همین مسئله را مینهمند یعنی اگر کسی خوا
داشته باشد می فهمد بجهت دوباره در ای اصل مخصوص
این را ذکر کرده است و اگر کسی یک دلیل
باورد که بتوان قبول کرد و بخواهد مدت را ز
پنکد باید دلیل بر قانون اساسی بیاورد چنان
در تعبیر شرعاً برخلاف میدانم که یک کسی بمنه
دلیل از مقتنی بخواهد؟! یک اصلی را نسخه بکی
همینطور این را هم از طرف ملت مبنی و نفع
پس بنده قانون اساسی را صریح میدانم که علاوه
دو سال باید اجازه داده است حالا دو سال اگر علاوه
میشود خوب یا بد بود شاید اگر دو سال هم میباشد
خوب بود و بندе از آن اشخاصی هستم که تای
مسئله حل شود نظرم در این بود که دو سال میدانم
و حالا هم دو سال میدانم (گفتنمدا کرات کافی است
و ای بگیرید) .

آقا میرزا ححمد - نمیشود رای گرفت اشخاص
نمیشنند که بدو سال رای نمیدهند و بفرش هم که رای
نمیشند از جای قانون اساسی رای نمیدهند تایین میباشد
معنی شود جطور میشود اگر گرفت .

فایل رئیس - این مسئله خیلی سهل است
جهت اینکه بیشنهادی که از کمیسیون آمده است
سه سال است و این برخلاف آن بیشنهاد سا
است حالا رای میگیریم باین بیشنهاد اگر داد
آن وقت رای میگیریم بهما دو سال .

ذکارهای - ممکن است دو سال زارا
بگیرید اگر دو سال را دارد ای تدارک اضمناً معلوم نمیباشد
که سه سال را مختلف قانون اساسی نمیدانند .

فایل رئیس - مجدداً فرائت می شود
رای میگیریم (ماده مزبوره با تبدیل سال بدو
مجدداً فرائت شد) .

فایل رئیس - رای میگیریم باین ماده هر یک
آقایان تصویب میکند قیام نمایند (افکار قریب با
قبایل مدنوند) .

شدم هرچند که فرق است بین محاکومیت بقتل و مساب محاکومیت به قتل جون آفایان حاضر ندبا کمال آنرا ازدی و صمیمت هرچند میگذرد و حاضر کنم و بر سامن فرضاً یکی محاکوم بقتل است و اول گذشت این حکم را اجرک کند شاید خود بنده باشم رای چه محاکوم بقتل است این را لازم میدانم که هرچند که برای آنکه مشروط خوانده نیست بنده ز هرچنانچه باید ملکتی تا چرسد بشروعت تخطی بیکنند حالا هم در باریس هستند جماعتی با وجودی که جمهوری شده است آزوی سلطنت نایابشون امیکنند یعنی افکار بعضی از آفایان نایابه گان جلب میگیرند که اگر کسی گفت استبداد بهتر از مشروطه است این سبب وجوب قتل او نیشود به وای بنده در نظر بشه اگر در مقام اجرای این در داش هست بر نایاب مثل اینکه هوا - اناس فائنهند که مشروطه برای آنها خوب نیست هست اینکه مشروطه را ذوقاً و نان و گوشت افتد بقول آنای ادب التجار که گران است این سیرا از مشروطه میدانند ولی اگر در مقام اعمال حقیقه برآید که باید حال استبداد را اعلا تر داد و اجازه داد و داخل عملیات شد و خودش سرباز مجلس ارجاعی شد یا سردار ارجاعی شد و مدل آن ارد و شد و با کمال فعالیت برای اجرای همه فایده اش کار کرد البته این جزء مهدوی الدم است هه اینکه مقطعه المرسم و اینجاهم یا نکه که خاطر نشان آفایان میگنند انشاهه که متوجه باشند و آفایان اهل علم البته تو جهاد رند که مسئله در کتاب چهار عنوان دارد و فقاً می داد (ابویطرس الکفار بالمسالمین) اگر لشکر اسلام کفار مقابله بکنند اسراء مسلمین که در رسالت کفار اند اینها را مسلمین کفار سیر میگنند حال اتفاق تفاوت نمیگند آنوقت تیر بود در این موقع زینهایها مسلمین هستند اگر تیر بغورند و آنها هست کفار در تھت مجبوریت هستند حال اینه که در اشخاص نمیشون در این مقایسه وهم کسانی که صورت آنها صورت مخالفت بوده است در معنی موافقت داشته اند مجبوریت داشته اند آن کی است نیدان و کسانی بوده اند که یک مسلمانی بدست یک کافری گیر کرده اند که حالات اجبار است پس بنا بر این موافقت با این پیشنهاد داریم و هرچند میگن امروز بخواهیم این قانون را بطور کلی اینگذاریم فراری بگذاریم داخل در جزئیات نشونم د این راه بعنوان السارق والسارقه یا الزانی بجه نمیشود تصور نمود و در مقام اجراء اعمال میشود و میدانید که گذر عارف و عامی هه افتد پس از اول باید فهمید و معلوم کرد و هست اشخاصی که داخل در اقدامات شده اند که هلنی بر ضد دولت مشروطه اقدام کرده اند ابلیس مشهور ترند مگر بعضی مسائل خفیه پس بهتر اینست که یک نظری در این قانون یک دقت بیشود که اگر بنا باشد اینقاذون از بگذرد که خوب قانونی است و واجحاله

بعد پیشنهاد نشویم مجازات این اشخاص هم قطع
قطع حقوق نیست و تصور میکنم که این ماده را باید
زودی اگر بکنار این منحصر میشود بقطع حقوق
بس نظرات وزراه را باید جل کرد شاید آنها
نظراتی داشته باشند که بیشتر مساعد باشد و در این
باب بیشنهادی هم کرده ام و با این اظهاراتیکه آقای
ادب التجار میکنند مخالفت ندارد و تأیید می کنم
آن نظرات را زیرا که مخالفت آنها راجع باشخاست
نبست مخالفت اینها راجع باین است که نظریات
وزراه در این کار خوبی لازم است بدون نظریات
وزراه گذراشنس یک معموقانوی فلسط است .

ناصرالاسلام - آن بیشنهادی را که آقای
معزز الملک فرمودند طریق اورا که فرمودند بنه
چون ورزی می بینم که خوبی مشکلات در آن هست
این است که موافقت میکنم با این بیشنهاد آقای
ادب التجار که باید بگذرد والا داخل در اشخاص
شدوی همان طوریکه گفتند این بیشنهاد (الاستیک)
بیدا می کند بس خوب است طریق کلی یک چیزی
را قطع بگیرم بدون اینکه نظرما باشخاست بشدو
الا بنه کمان می کنم میمپوچت دولت و ملت به آن
مخصوصی که دارند نائل نشوند مامی گوییم کسانی
که هلا قیام بر ضد دولت حاضره کرده اند و مجرم
بعضی کارها و سب این همه بدینختی و این خسارت
هاشده اند و این قانون را در حق آنها معمول بدارند
حال آن اشخاص چه کسانی هستند تشخیص آن با
هیئت دولت است والا من هر ضمی کنم اگر داخل
اشخاص بشویم آن وقت ممکن است . بایکی از اهل
ولایت خودم غرضی داشته باشم و امروز جد بگشم
که باید حقوق اقطع شود و اما نظر دولت یک
نظر مبوسطی خواهد بود که مصون خواهد بود از
اعمال اغراض والبه هیئت دولت نظر دیگری دارد
اما اگر بخواهند وارد در اشخاص بشوند عرض می
کنم که این رشته سر دراز دارد در این بقیه دوره
تفقیه که ماهستیم این مسئله که نخواهد گذشت
سهول است در انتخاب ثانی هم بنه هر ضمیکنم که
نخواهد گذشت .

آقا هیرزا ابراهیم خان - مخالفت بنه
با این بیشنهاد آقای ادب التجار فقط از یک نفعه
نظر است و آن این است که بنه این اشخاص را بر
سه قسمت کرده ام و فقط این مجازات را که در این
دو ماده بیشنهاد کرده اند کافی نمیدانم یک قسمت
از این اشخاص بلاش محکوم باudام باید بشوند
و یک قسمتی معکوم بتفی و تبعید و یک قسمتی این
دو ماده را که اینجا نوشته اند باید در حق آن ها
اجراه نمایند هر جرا که اقدامات آنها همه یاک جور و
یک سبک نبوده است بلکه اشد و اوضاعت یعنی یکی
شدید تر و دیگری ضعیفتر بوده است این بود که
بیشنهاد کردم همینطور که آقای متین السلطنه و
آقای معزز الملک و همین طور بیشنهادی آقای
ذکه الملک کرده اند که این بیشنهادهار جو شود
یک کمیسیونی که باحضور وزراه یک تحقیق بشود
که از روی یک نظر صیغه اقداماتشان معمول شود
و یک رایپورت مرتبی از روی نظرات صیغه به
مجلس داده شود که مادرست رای بدینه این مخالفت
بنده بود و این تقدیمه ام بود که هر ضمیکنم
آقا سید ابراهیم - بنه مرافق هستم

و اطراف کار را بسنجنده و کسب نظرات وزراء را
پسند و آنوقت بیانه مجلس شاید آن وقت پسند
پغوریش هم رأی بدهم .

نایب رئیس - پسند کمان میکنم که کمیسیونی
که مناسب این کار باشد قوانین مالیه است .

معزز الملک - بجهت اینکه این مسئله یک
قانونی است راجع به ایمه مملکت و راجع بطبع حقوق
و این جزو بودجه مملکت محسوب میشود پس در
اینکه اینها باید قطع شود جای اشکال نیست ولی
اگر این ماده امر ورز بگذرد مثل قانون حکومت
نظمی خواهد بود همان کسانیکه مخالفت کردند
مجازات داده شده است و محکوم بقتل شده و هنوز
زنه هستند و اگر قانون نظمی اجرا میشود کمان
میکنم این اشکالات هم هیچ بیش نمایم و آنها زنه
نیووند که حقوق آنها قطع شود ولی بدینها ماده
قسمی ملاحظه کردیم بهر حال این باید برو و بکمیسیون
بودجه این قانون مالیه نیست که رجوع شود
بکمیسیون داخله ختماً باید رجوع شود بکمیسیون
بودجه .

حاج سید ابراهیم - پسند موافقت میکنم که
بر بود بکمیسیون بودجه اما گمان میکنم که این دو ماده
بر بودی بگذرد بهتر است .

ذکاء الملک - پسند هم موافقت میکنم
یا بکمیسیون بودجه .

آقا میرزا ابراهیم خان - پسند ماده دو مش
را که رجوع بکمیسیون بکمیسیون بودجه حرفي ندارم
ولی ماده اول خلخ از شون و مناسب دولتی است با
کمیسیون بودجه مناسب نیست پسند تقاضا میکنم و
نظر باینکه حق توضیح دارم به پیشنهاد خودم پسند
هیچوقت راضی نیستم علیرضا خان گروسی قناعت
کنند که حقوق او را قطع کنند و منصب او اخذ
نشود و در پاره یک جوان در اسازی هم که او را
مجبور آیینه ای طهیر الملک آوردندان برای دو اسازی
و میدانم که آدم مشروطه خواهی است راضی هم نیستم
که حقوق اورا قطع کنند لهذا صلاح میدانم که از
روی یک تمق و تأمل رسیدگی شود چون ماده اول
موافق با بودجه ندارد و اگر کمالاً دقت شود و تحقیق
شود که از روی یک تنظر اساسی و از روی بصیرت
این قانون بگذرد عین صلا است یا بهمان کمیسیون
هفت نفری که آقای حاج آفای پیشنهاد کرده رأی پسند
و ماده اول با آن بکمیسیون رجوع شود ماده دوم بود
به کمیسیون بودجه .

نایب رئیس - دو پیشنهاد دیگر خوانده
می شود .

(۱) از طرف آقای انتظام العکاء ببارت ذیل
فرائت شد) پسند پیشنهاد میکنم این طرح آقای
ادیب التجار رجوع شود به کمیسیون بودجه در آن
کمیسیون باحضور آقایان وزراء مطرح شده بعداز
توصیه در کمیسیون بودجه به مجلس بیان

(۲) از طرف آقای ناصر الاسلام خوانده شد) پسند
پیشنهاد میکنم کایان طرح قانونی بکمیسیون بودجه
ارجاع در طرف مهروز نظریات اعضای کمیسیون
و هیئت وزراء مین و در جلسه پیشنهاد در مجلس
مطرح شود .

فاخرالاسلام - مقصود از این پیشنهاد پسند
این است که بعوام مقصود اغلب نمایندگان حاصل

تعیین اشخاص نموده و باملاحته هیئت دولت را بورت
بعجلس پسندند .

نایب رئیس - بکماده العاقیه نوشته شده
است از طرف آقای خیابانی تقاضا کردند خوانده
شد (ماده العاقیه خوانده شد)

ماده العاقیه - تشخیص و تعیین این اشخاص
با هیئت وزراء است و باید تا کم معاذ تاریخ گذشته
این قانون اشخاص را مین کرده و اعلان عموم نمایند
نایب رئیس - در این پیشنهاد ها باید رأی
بگیریم مغایر چه میفرمائید ؟

آقا سید محمد رضا همدانی - عرض
کردم که کسی نیخواهد سر کسیرا ببرد یا کسیرا

اعدام نماید فقط گفتگو حقوق است اغلب بفرمایش
آقای حاج شیخ العزیز معلوم ند در امثال امیرکرم

اسمهیل و مرادخان هستند و نظر بهم نیست و کسی
بنا نمیتواند بگوید نظر نکند حقوق غیرمشروع ما

را نگیرید اما آدمیم سرسوء استعمال سوء استعمال

اولاً این خورده یا باختلاف حقوق دویست توانی و
بسید توانی و مصد توانی معلوم نیست که نظر خود

دولت هم باشگوئی سائل باشد مگر علا در مقام
ضدیت برآمده باشد تقدیم و توب اندخته باشیدیں
اینجا نمیشد سوء استعمال کرد و نظر دولت و مجلس

بسید توانی دویست توانی نیست و معلوم نیست که
نظریات دولت باجها بر بود مثلاً اگر حقوق امیر افخم

را قطع کنند سوء استعمال بشود . چه میشود یا
این پیشنهاد را قبول کنید کمان میکنم که در اینجا

حقوق فلان شخصی که عمل میکند که توپ اندخته
است اشخاصی که بر ضد این اساس اقدام کرده
هر طور کصلاح بدانه عمل شود

نایب رئیس - صحیح است همینطور مذاکره
میشود پیشنهادی هم از طرف آقای حاج آفای
خوانده میشود .

(پیشنهاد مزبور ببارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که یاک کمیسیون هفت نفری
انتخاب شود که با هشت وزراء تبادل افکار حکم کرده
نتیجه را به مجلس آورده رأی بگیرند .

ذکاء الملک - عرض کنم در اینکه این باید
بیک کمیسیونی بوده باهتماد پسندند و منصب او اخذ
شد) اول از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم خان -

بنده پیشنهاد میکنم این لایحه رجوع بیک کمیسیونی
مناسب شود که با کسب نظریات هیئت دولت را بپرسی
نانوی بدهد یعنی از آن مطرح مذاکره نمایند .

۲- از طرف آقای مین السلطنه - بنده پیشنهاد
میکنم که نظریات هیئت وزراء در خصوص این لایحه

جلب شود .

۳- از طرف آقای معزز الملک -

بنده پیشنهاد میکنم که این لایحه بکمیسیون
بودجه رفته کسانی که با اساس جدید مخالف

کرده اند اساسی آنها مین گردیده از روی اسما
مقطعه گردد .

۴- از طرف آقای ذکاء الملک -

بنده تقاضا میکنم این طرح بکمیسیون داخله
بر بود که با کسب نظریات وزراء اصلاح شود و بعد

در مجلس مطرح شود .

۵- از طرف آقای ادب ابراهیم -

بنده پیشنهاد میکنم که این طرح بکمیسیون
قوانین مالیه رجوع شود که با مذاکرات با وزراء

است در مقام محل دجاج بعضاً اشکالات و مفاسد
نشوین و الا یقین دارم مفسد ترین مردم در موقع
اجرام این قانون خودش را بیک مظہرات جلیل و
خفیه از پسند و شما مشروطه خواهتر .
رئیس - مذاکرات کافی نیست .

آقا سید محمد رضا همدانی - عرض
کردم که کسی نیخواهد سر کسیرا ببرد یا کسیرا

اعدام نماید فقط گفتگو حقوق است اغلب بفرمایش
آقای حاج شیخ العزیز معلوم ند در امثال امیرکرم

اسمهیل و مرادخان هستند و نظر بهم نیست و کسی
بنا نمیتواند بگوید نظر نکند حقوق غیرمشروع ما

را نگیرید اما آدمیم سرسوء استعمال سوء استعمال

اولاً این خورده یا باختلاف حقوق دویست توانی و
بسید توانی و مصد توانی معلوم نیست که نظر خود

دولت هم باشگوئی سائل باشد مگر علا در مقام
ضدیت برآمده باشد تقدیم و توب اندخته باشیدیں
اینجا نمیشد سوء استعمال کرد و نظر دولت و مجلس

بسید توانی دویست توانی نیست و معلوم نیست که
نظریات دولت باجها بر بود مثلاً اگر حقوق امیر افخم

را قطع کنند علاوه از طرف هیئت دولت هم
شده است خواه بگوییم اخواه نگویی این امر شده

چیزیکه لازم است مجلس برای خاطر مشروطه -
خواهان که قلبشان تسیله بین قید هیچ نمیتواند

سوء استعمال بشود بر غرض یاشه برا قوی گرفتیم
او را خراب نمیکنند علاوه از طرف هیئت دولت هم

شده است خواه بگوییم اخواه نگویی این امر شده

چیزیکه همین طور مذاکره نمایند .

رئیس - چند قفره پیشنهاد شده خوانده
میشود (پیشنهاد های مزبور ببارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که با هشت وزراء تبادل افکار
نتیجه را به مجلس آورده رأی بگیرند .

ذکاء الملک - بیک کمیسیونی بوده باهتماد
شد) اول از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم خان -

بنده پیشنهاد میکنم این لایحه رجوع بیک کمیسیونی
مناسب شود که با کسب نظریات هیئت دولت را بپرسی

نانوی بدهد یعنی از آن مطرح مذاکره نمایند .

۲- از طرف آقای مین السلطنه - بنده پیشنهاد
میکنم که نظریات هیئت وزراء در خصوص این لایحه

جلب شود .

۳- از طرف آقای ادب ابراهیم -

بنده تقاضا میکنم این طرح بکمیسیون داخله
بر بود که با کسب نظریات وزراء اصلاح شود و بعد

در مجلس مطرح شود .

۴- از طرف آقای ادب ابراهیم -

بنده پیشنهاد میکنم که این طرح بکمیسیون
قوانین مالیه رجوع شود که با مذاکرات با وزراء

لایه ر فیض — برپاست وزراء و بو زیر داده
و شده است هنوز نفرستاده اند دیگر مخالفی
بست (صورت مجلس تصویب شد) رایورت کمیسیون
نواید عادمه و تجارت زاجع بحال ایانس قرائت میشود
(عبارت ذیل قرائت شد)

رایورت کمیسیون تجارت بتاریخ ۲۰ شهریور
۱۳۲۹ طرح قانونیک از طرف وزارت است و تکراف
و تجارت در باب اجازه آوردن ماشین آلات جر مسازی
ک از دولت بعلالیانس داده شود در ذیل ماده واحد
و فقرات پیچ گانه به مجلس پیشنهاد شده و بکمیسیون
بست و تکراف و تجارت ارجاع کردیده تحقیق شور
مداده در آورده و بعد از اطلاعات لازمه مطابق
بیبل ب مجلس تقدیم مبارد.

ماده واحده -- وزارت تجارت مجاز است که
ترتیب ذیل در آورد ماشین آلات جرم سازی
با جالابیانس مساعت نماید(۱) ماشین آلات پر مسازی
نماین بلطف می هزار تومان ارزش از حقوق گمر کی
متعارف خواهد بود . (۲) هر مقدار دواجات ورنک
که برای صفت جرم سازی لازم و مخالف با قوانین
ملکتی نباشد جالابیانس مجاز است تا مدت ۵ سال
س از اضعاء باندازه مصارف کارخانه خود بدون
برداختن حقوق گمر کی از خارج وارد نماید، (۳)
اما مدت دو سال پس از اضعاء اگر جالابیانس ماشین
آلات جرم سازی را تهیه نکرده و بکار نیندازد از
ین دو فقره اختصاص محروم خواهد بود . (۴)
و، فقره اختصاص معافیت از حقوق گمر کی که دولت
برای این اجازه به جالابیانس میدهد شخصی و به چو جه
باب انتقال بغیر خواهد بود فقره بنام پیشنهاد وزارت
تجارت را که حقوق معافیت جالابیانس از تأثیره هر
مالیاتیکه باین صفت وضع بشود تا مدت ده سال
و دو کمسیون باکثریت نیزیرفت و تصویب نگردید
تا یپرتفیس -- مذاکرات در کیات است

حاج آقا — مداخله شور این لایحه می‌شیریم
ا وجود این که لواح مهتر داشتم گمان می‌کنم
ک لایحه دیگری سابق آورده بودند که تفاوتی
وردن آلات چرمسازی کرده بودند چیزیکه بنتظر
نمده باشد این است که کیوشورش هم در او شده باشد
نوب بود در موقع آوردن این لایحه مجلس این لایحه
اهم از کمیسیون سابق این کمیسیون مخواست و در او
اگر می‌گذرد دیگر تعقیقاتی هم ازاو کرد بود که در موقعيت
بن اجازه داده مبتدئ اسباب یک نهادی پیش از این
هر دو از کار بیفتند که هر دو تای این لایحه ها از
ایران بروند امر روز کما در خبرداریم یک ماشین آلات
ز برای چرم سازی وارد کنیم اسباب یک تناقض
خود جون ساقه یک لایحه یک کسی دیگر تقدیم
کرده بود که یک ماشین صابون سازی بیاورد و موادی
نم در او بود که از همان ماشینها ترتیب چرم سازی
نمده خوب بود آن لایحه را هملاحظه می‌گردند
که با هم مرتبط باشد و اگر این تباینی با آن داشته
شد گمان می‌کنیم این هم آن از کار بیفتند و این
طریکه ک ما داریم از بن بروان آفای غیر معترض
توؤل می‌کنم ک آیا این تحقیق را کرده‌اند آن لایحه
در این نظرداشته اند یا خیر .

مواهد شد اگر حاضر نشد ترتیب دیگر داده
و موقتاً مواهد شد

ناصرالاسلام — مذاکرات بهیج و جهانزاده
ست زیرا که قانون نظامنامه داخلی با میگویند
ادامی که رئیس از صندلی خود برخاسته اند کسی
وقت برخاستن نداشته باشد و حلالم خارج شده اند
حق خارج شدن را ندانند و این تقاضای کمیشود
نظامنامه داخلی را تکمیل و بعدها این مراقبت شود
که نایاندگان قبل از هیئت رئیسه بلندشوند و بر وند
نمطور صحیح نیست

نکته — بندۀ خلی مذاقّم و انجه زیریات
بودم بود که قانونی بگذاریم که اسباب رفاهیت
مه مردم مملکت باشد ولی مدنی است که این قانون
رکنها یعنی فریب ۶ ماه است از کمیسیون گذشته
مکرر آفامان اینجا گفته‌اند و بندۀ هم شر کدادشته‌ام
آفایان که قانون شرکت ها چرا مجلس نیامده
ست و بندۀ تقاضا میکنم که جزء دستور گذاشته شود
که این قانون از مجلس بگذرد اسباب تروت
جاریت میشود و تعجب دارم که چرا این قانون را
بحال مجلس نیاورده اند اگر محظوظی دارند
رمانند *

لایب رئیس - در جلسه ینچشنبه جزء دستور
وامد آمد
(مجلس بیکاعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

۲۱۳۴

صهورت هشروع جلسه روز ۳ آشنه

١٣٣٩ قعده الحرام

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در
ریاست آقای مرتضی‌السلطنه نایب رئیس تشکیل
ردید.

صهور مجلس روز یکشنبه (۲۸) را آقای میرزا رضا خان رفاقت نمودند. غایبین جلسه اجازه شاهزاده سلیمان میرزا بدون اجازه آقایان خدابنده - آقا سید محمد باقر ادبی - آقا میرزا اهیم قمی - آقا میرزا یانس - آقای حسنعلیخان قاییانیکه از وقت مقرره تأخیر نموده اند - آقای روزالملک یکساعت - آقای دکتر اسمعیل خان - آقای ناصر الاسلام - آقای دکتر رضا خان هریات - ۴ دی ۱۳۹۶ -

فایل رفیس - آقای آقا میرزا ابراهیم در صورت
نلس فرمایشی داشتید؟

آقامیرزا ابراهیم قمی - بنده را در جلسه
غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتی که کتاب
از خواسته بدم.

رئیس - با داره مباشرت باید اظهار نمائید.
لواء الدوله - این که تقاضا شده بود را
 ورقه گرفته شود برای قانون انتخابات آن تقاضا
 بینده کرده بودم اینجا قيد نشده است که بینده
 نباشد.

نایب رئیس - اصلاح میشود - آفای آفامیرزا

آقامیرزا احمد قزوینی - راجع بهمان
شته های مضره است که در آخر جلسه فبل تقاضا
رد چنانچه جوابی رسیده امت بفرمانید فراثت
و بود.

شود چون می بینم نظریات نمایندگان محترم اتفاقاً
به قطع حقوق است و اشکالی که اداره در نموده طورش
اشکال مبتنده و مکوند اختصاصی که بر ضد دولت قیام
کرده بعضی معدوم شوند و بعضی باید مناصب شان
خلع شود و بعضی باید مجازاتهای سخت بشوند
آیا این اصلاحات مانع الجمیع نیست که اگر بلکه هشتی
را مستحق اعدام بدانند این مانع بشود مخصوصاً این
اعدام خواهد شد برای اینکه یعنی از این طول
نکند یعنی همادی خوردم که در این سه روز ممکن
است هشت وزرا نظریات خودشان را بنویسند و تا
روز یعنی هشت بیکندر و اعضاء کمیسیون بودجه هم
نظریات قطعی خودشان را بینهاده بکنند و در جلسه
بنجنبشیه رأی قطعی گرفته شود .

بیکاری میشند خود پایه را کنار میگذارند
برواد به کمپیویون بودجه و پیچیدگر هم تقاضا کردند
باورهه رأی گرفته شود (اسامی تقاضا کنندگان
شووانده شد) تقاضا میشود رأی باورهه گرفته شود
ادیب التجار - ناصرالاسلام - حاج مصدق المالک
انتظامالحكماه - (آقایان مزبور تقاضای خود را
پس گرفتند)

لایپر فیس — رای مکبیرم در ارجاع
اینطور به کمبیون بودجه که در ظرف این هفته تمام
شود یا بدهد، به مجلس هر کس از آقایان تصویب میکنند
نقام نمایند (اگل قام نمودند)

لایب رئیس — باکثریت تصویب شد.

کمپیوون فوائدِ علمی و اجتماعی، بیانیں رایور کمپیوون
معارف راجح بر وزناء رسمی رایور کمپیوون بود جه
راجح حقوقی صفار عبیسی خان و فتح اللہ خاں ہاسقلی۔
خان مقتول ۰

آقامور زااحمد — هرچ کنم بنده تقریباً
ما یوس شدم که هشت وزراه این استاد مضره را برستند
به مجلس ولی یک تکلیفی برای ما است که باید مaan
را ادا کنیم و بنده تقاضا میکنم که این جواب کوژوز راه
داده اند عذر شان چیست جواب آن مطالعی که از مجلس
رفته و جواب آمده در اول مجلس آینده خوانده شود
پیشنهاد وزراه در نفرستان اینها چه چیز است
که قانون کرد ما را مامن قانع میشویم و اگر مانع
نشود بر طبق آن اقدام بکنیم معلوم میشود که از
بیشتر رئیسه اقدامی نشده است والا باید این قدر
اطول نکشد .

لایب رئیس — از طرف هیئت رئیسمکرر
اکمال تاکید نوشته شده است و باز مجدد تاکید
شود که وزیر بفرستند.

دکتر علمی خان - در دستور روزنامه‌های

معنی شده است بینه اختصار مبدهم که شاید را بورت
ن حاضر نشود و قدری طول بکشد سایقانبه تقاضا
گردید بود که قانون اساسی معارف در دستور گذاشته شود
بنامه کو درستک، از این جلسات جز دستور نشود

حالا بهتر این است که قانون اساسی معارف که عاضر شده است و مدتی است که معمول آنده است و گر ووز نامه رسمی حاضر شده برای جلسه دیگر مین شود والا قانون اساسی معارف دا در دستور کذاریده .

لایاب رئیس — چون مذاکرمد که حاضر